

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۳-۴ هـ.ق

علی بحرانی‌پور*، سجاد کاظمی**

چکیده

خوزستان به‌عنوان یک تمدن رودخانه - جلگه‌ای در دوره‌ی قبل و بعد از اسلام، همواره دارای شهرهای متعدد و پررونقی بوده که علاوه بر شهرهای شناخته شده چون شوش، شوشتر، اهواز شهرهایی نیز وجود داشته‌اند که امروزه آثار چندانی از آنها باقی نمانده است. از جمله می‌توان به شهرهای مسیر رودخانه‌ی کارون چون عسکر مکر، سوق الاربعاء، جُبی و دورق اشاره کرد. در این مقاله برآنیم تا با روش تاریخی و با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با عنایت به رهیافت ماکس وبر در زمینه‌ی دسته‌بندی ماهیتی و دگرگونی شهرها به بررسی علل برآمدن و افول این شهرها در خوزستان سده‌های سوم و چهارم هجری بپردازیم. فرض ما این است که وجود رودخانه‌های متعدد، به ویژه رودخانه قابل کشتیرانی کارون و ارتباط آن با آب‌های آزاد همواره عامل و بستری برای شکل‌گیری و رونق تجاری و فرهنگی شهرها در خوزستان بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که بنیان اکثر شهرهای خوزستان جز عسکر مکر و سوق الاربعاء به پیش از اسلام برمی‌گردد و در سده‌های سوم و چهارم هجری با تولید انواع کالاها و محصولات از رونق تجاری و اقتصادی و به تبع آن رشد فرهنگی بالایی برخوردار بودند؛ اما به مرور زمان در نتیجه عوامل طبیعی چون طغیان و تغییر مسیر رودخانه و نیز علل تاریخی همچون تاثیر قیام زنگیان، ورود قبایل ترک، تغییر خط سیر تجاری و درگیری میان قدرت‌های محلی عرب‌ها، این شهرها حیات و رونق خود را از دست داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: خوزستان، کارون، عسکر مکر، سوق الاربعاء، جُبی، دورق.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز. (Bahranipour@hotmail.com)

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز. (Sajad.kazemi1984@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۱ تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۴/۲۲

مقدمه

جغرافی دانان، حدود خوزستان در قرون سوم و چهارم هجری و موقعیت آن را نسبت به سرزمین‌های مجاور چنین ذکر می‌کنند: «حد شرقی آن پارس و سپاهان است، جانب غربی ناحیه واسط است و جایگاهی است که آن را دورراسبی می‌خوانند، حد شمالی آن صیمره و کرخه و لور است و حد جنوبی از عبادان تا روستای واسط مخروط می‌شود».^۱

شهرهای خوزستان در این زمان عبارت بودند از: اهواز، شوشتر، جندی شاپور، شوش، رامهرمز، دورق، ایذج، نهرتیری، عسکر مکرّم، حومه الزط، خابران، حومه البنیان، سوق سنبل، مناذر الکبری و مناذر الصغری، جبی، طیب، کلیوان، بصری، ازم، سوق الاربعاء، حصن مهدی، باسیان، بیان، سلیمانان، قرقوب، متوث، بردون، و کرخه.^۲ در اینجا به معرفی برخی شهرهای مسیر رودخانه کارون همچون عسکر مکرّم، دورق، سوق الاربعاء، جبی و موقعیت مکانی آنان می‌پردازیم و این‌که این شهرها چه نقشی در رونق اقتصادی و تجاری سده‌های سوم و چهارم هجری خوزستان داشته‌اند؛ زیرا مطابق گفته‌های جغرافی دانان، این شهرها با اهمیت و رونق اقتصادی بالا بوده و محصولات آنها همچون پرده‌ها، پارچه‌ها، جامه‌ها از شهرت جهانی برخوردار بوده است. ساخت فضای کالبدی و محل بنیان شهرها در خوزستان به‌ویژه شهرهای مورد مطالعه بیشتر تحت تاثیر عوامل محیطی - جغرافیایی بودند. در این زمینه رودخانه کارون به دلیل قابلیت کشتیرانی در طول تاریخ همواره بستری برای شکل‌گیری و رونق شهرها بوده است.

مطابق با کاربست آراء ماکس وبر در زمینه تقسیم‌بندی شهرها، بنیان و نقش آنان؛ می‌توان نقش شهر تولیدکننده و تجاری را برای شهرهای خوزستان و همچنین بنیان آنان به کار برد. وبر در زمینه‌ی بنیان شهرها تحت تاثیر نظریه «حمل و نقل»^۳ چارلز هورتون

۱. اصطخری (۲۰۰۴)، المسالک و الممالک، محقق محمدجابر عبدالعال حینی، قاهره: الهيئة العامة لقصور الثقافة، ص ۶۲؛ جیهانی (۱۳۶۸)، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تهران: آستان قدس رضوی، ص ۱۰۳؛ ابن حوقل (۱۹۳۸)، صوره الارض، ج ۲، بیروت: دار صادر، ص ۲۴۹.

۲. المسالک و الممالک، ص ۶۲.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۳ هـ ق ۳

کولی^۱ می‌نویسد: «شهر ممکن است هیچ گونه وابستگی کالبدی یا غیره، به اقامتگاه ارباب یا شاهزاده نداشته باشد. و این وضع زمانی پیش می‌آید که شهر خاستگاه، مرکز استقرار بازار منحصر به فردی در محل تلاقی (مرکز بارگیری) مناسب باشد».^۲ در ارتباط با شهرهای مسیر رودخانه کارون این ویژگی بسیار حائز اهمیت بود. و بر در کنار مفهوم اداری - سیاسی شهر، که از آن تحت عنوان «شهر شاهزاده‌ای» یاد می‌کند، به خصیصه اقتصادی شهر نیز اشاره دارد و در این رابطه از انواع شهر مصرف‌کننده، تولیدکننده و سوداگر نام می‌برد. شهر مصرف‌کننده؛ شهری بود که مصرف‌کنندگان بر حسب نوع و منبع درآمدشان - از جمله مقامات عالیرتبه اداری یا نجبا و دیگر صاحبان قدرت - بهره مالکانه غیرشهری یا درآمدهای خاص سیاسی خود را در شهر خرج می‌کنند. شهر مصرف‌کننده دقیقاً شهر شاهزاده‌ای را تداعی می‌کند؛ زیرا که این شهر وابسته به درآمدهای سیاسی و موروثی است که قدرت خرید مصرف‌کنندگان سخاوتمند را فراهم می‌کند.^۳

در مقابل شهر مصرف‌کننده، شهر تولیدکننده قرار دارد. نمونه‌هایی مانند شهرهای آسیایی، باستانی و انواع شهرهای قرون وسطی که با استقرار کارخانه‌ها، صنایع دستی و خانوادگی تولیدات و محصولات، برای خارج از قلمرو داخلی بارگیری و صادر می‌شوند. علاوه بر این، شهر سوداگر که در آن، قدرت خرید قسمت اعظم مصرف‌کنندگان آن متکی به خرده‌فروشی برای کسب سود از محصولات خارجی در بازارهای محلی است یا فروش خارجی برای کسب سود از محصولات محلی به وسیله تولیدکنندگان بومی به دست آمده یا خرید محصولات خارجی و فروش مجدد آنها به خارج، در مقابل شهر مصرف‌کننده قرار دارد.^۴

و بر همچنین از بنیان برخی شهرها با خصیصه نظامی اشاره دارد و آن را در قالب مفهوم اداری - سیاسی شهر بررسی می‌کند: «شهر در زمان‌های گذشته، چه در داخل و چه در

1. Charles Horton Cooley (1864-1929)

2. Max Weber (1958), *The City*, translated and edited by Don Martindale and Gertrud Neuwirth, New York: Macmillan publishing, p67.

3. Ibid, p68.

4. Ibid, p69.

خارج از اروپا به منزله دژ و قلعه نیز بود.^۱ اگر چه الگوی شهر تولیدکننده و سوداگر در ارتباط با شهرهای مسیر رودخانه کارون مصداق دارد؛ اما در مورد بنیان شهر عسکر مکرم خصیصه نظامی بیشتر مصداق دارد. با وجود این، قرار گرفتن عسکر مکرم در دو طرف ساحل شاخه‌ای از رود کارون (گرگر) به مرور زمان به‌ویژه در سده‌های سوم و چهارم هـ.ق از یک شهر صرفاً نظامی فاصله می‌گیرد و مثل سایر شهرهای مسیر رودخانه کارون نقش یک شهر تجاری را به خود می‌گیرد.

ماکس وبر، اشاره‌ای به چگونگی افول شهرها نکرده است، با وجود این، در کنار بررسی بنیان و نقش تجاری شهرهای مسیر رودخانه کارون، پرداختن به زوال شهرهای مورد مطالعه نیز از اهداف این مقاله است. در ارتباط با بنیان و نقش و اهمیت تجاری شهرهای مذکور و همچنین سرنوشت این شهرها تاکنون تحقیق مفصلی صورت نگرفته است. در آثار تاریخ جغرافیای خوزستان امام شوشتری و خوزستان و کهگیلویه و ممسنی و دیار شهریاران از احمد اقتداری تنها به توصیف شهرهای خوزستان پرداخته شده است. مقاله مرتضی عطایی و دیگران با عنوان «رستقباد خوزستان و رستقباد عراق، بررسی جغرافیای تاریخی جای نام‌های مشابه» در زمینه پیشینه شهر عسکر مکرم بسیار ارزنده است. مقاله «بنادر خوزستان در قرون سوم و چهارم هجری» از عبدالواحد عبادی نیز یک توصیف کلی از برخی بنادر خوزستان به دست می‌دهد و در ارتباط با بنیان شهر—بندرها خوزستان و سرنوشت این شهرها سخنی به میان نمی‌آید. بنابراین بررسی دلایل برآمدن و افول شهرهای مذکور و اهمیت و نقش تجاری و فرهنگی این شهرها در خوزستان قرون سوم و چهارم هجری هدف عمده این مقاله است.

نقش طبیعی و تاریخی رودخانه کارون در تکوین و تکامل شهرها

در ارتباط با برخی شهرهای خوزستان اطلاع ناچیز و پراکنده‌ای به دست آمده است؛ بنابراین گزارش‌های تاریخی، این شهرها دارای اهمیت اقتصادی و سیاسی بودند و به ندرت می‌توان اطلاعی از بنیان شهرها و یا تحول و سرانجام این شهرها به دست آورد. در اینجا

1. Ibid, p75.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۳ هـ ق ۵

به شرح شهرهای کمتر شناخته شده خوزستان به ویژه شهرهای مسیر رودخانه کارون که امروزه به سختی می توان آثاری از آنها پیدا کرد، می پردازیم.

عسکر مکرّم:^۱ تکوین یک پادگان نظامی و تحول به سوی شهری تولیدی - ترانزیتی
الف) مبانی تکوین و پیدایش شهر عسکر مکرّم (برجی ساسانی یا لشکرگاهی اسلامی - عربی): یکی از شهرهای خوزستان که آثار چندانی از آن پیدا نیست عسکر مکرّم است. این شهر توسط یکی از سرداران عرب بنام مکرّم ساخته شد. حافظ ابرو اشاره می کند از شهرهای تازه تاسیس دوره ی اسلامی در خوزستان تنها عسکر مکرّم بود و بنیان بقیه شهرها به دوره ی قبل از ورود اسلام بر می گردد.^۲ در اینجا روایت های متفاوتی وجود دارد که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است، بلاذری نخست از مکرّم بن مطرف یاد می کند که از جانب مصعب بن زبیر مامور بود تا شورش ابن ظبّیان را سرکوب کند و به موضعی رسید که در آن زمان بنام وی عسکر مکرّم خوانده شد. روایت دیگر وی این است که مکرّم بن فزّر از جانب حجاج بن یوسف مامور سرکوب شورش خرزاد بن باس در خوزستان شد و نزدیک جایی که مکرّم استقرار یافت قریه ای کوچک بود که پس از آن لشکرگاه مکرّم به آن متصل و شهر بزرگی شد.^۳ طبری نیز در ذکر حوادث سال ۷۱ هجری می گوید: «مصعب بن زبیر، مکرّم بن مطرف را از پی ابن ظبّیان فرستاد که برفت تا به عسکر مکرّم رسید و آنجا به نام وی شهر شد، اما ظبّیان را نیافت».^۴ اما وی در جای دیگر ذیل حوادث سال ۹۰ هجری به استقرار حجاج در رستقباد - که به نظر می رسد اینجا پیشینه شهر عسکر مکرّم است - اشاره می کند تا شورش کردان را که بر بیشتر سرزمین فارس تسلط یافته اند سرکوب کند.^۵ ضمن اینکه طبری در ذکر حوادث این سال اشاره ای به مکرّم ندارد. در روایت های دیگر از مکرّم

1. Askar Mokram

۲. حافظ ابرو (۱۳۷۸)، *جغرافیای تاریخی حافظ ابرو*، ج ۲، تصحیح صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب، ص ۹۵.

۳. بلاذری (۱۹۸۸)، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ص ۳۷۱-۳۷۲.

۴. طبری (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم و الملوك*، ج ۶، محقق ابوالفضل ابراهیم، بیروت: روائع التراث العربی، ص ۱۶۰.

۵. همان، ص ۴۴۸.

به نام‌های مختلف از سرداران حجاج ذکر شده است. مقدسی فقط از «مکرم» بعنوان غلام حجاج یاد می‌کند که این شهر را بنا نهاد و به هیچ شورش اشاره نمی‌کند. در برخی منابع متاخر نیز مکرم بن معاویه بن حرث بن تمیم از جانب حجاج مامور سرکوب شورش در خوزستان بود و در آنجا این شهر را بنا نهاد.^۱ مهلبی نیز روایت دوم بلاذری را نقل می‌کند؛ با این تفاوت که فرد شورش را خرداد بن بارس ذکر می‌کند.^۲ یاقوت از مکرم بن معز الحارث یاد می‌کند.^۳ حافظ ابرو نیز از مکرم بن حارث نام می‌برد که از جانب حجاج مامور سرکوب چنین شورش بود.^۴ به نظر می‌رسد اختلاف روایت‌های مذکور ریشه در دو روایت بلاذری باشد. ضمن اینکه از یک طرف هم بلاذری و هم طبری از مکرم بن مطرف یاد می‌کنند و از طرفی نیز به حضور حجاج در این منطقه اشاره دارند؛ اشاره به اینکه کدام سردار به نام مکرم در زمان مصعب بن زبیر یا حجاج بانی شهر عسکر مکرم بودند، با وجود آنکه غالب روایت‌ها دوره‌ی زمامداری حجاج را ذکر می‌کنند سخت به نظر می‌رسد.

در ارتباط با پیشینه تاریخی این شهر می‌توان به قریه‌ای که بلاذری از آن یاد می‌کند اشاره کرد، ضمن اینکه بلاذری نیز اشاره به نام آن قریه ندارد، اما برای اولین بار یاقوت به نقل از حمزه اصفهانی،^۵ رستقباد تعریب رستم‌کواد را پیشینه تاریخی عسکر مکرم ذکر می‌کند که در زمان حجاج، توسط سردار وی بنام مکرم بنا شد.^۶ با وجود اینکه خود اصفهانی اشاره‌ای به عسکر مکرم ندارد، اما از رستم‌کواد با تعریب رسیقباد یاد می‌کند که در پی جنگ‌های حجاج تخریب شد.^۷ چنین به نظر می‌رسد رستقباد که اصفهانی و حموی از آن

۱. زکریا قزوینی (۱۹۹۸)، *آثار العباد و اخبار العباد*، بیروت: دار صادر، ص ۲۲۳.

۲. حسن بن احمد مهلبی (۲۰۰۶)، *الكتاب العزیز او المسالک و الممالک*، ج ۴، محقق تیسیر خلف، دمشق: التکوین، ص ۱۲۳.

۳. یاقوت حموی (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج ۴، بیروت: دار صادر، ص ۱۲۳.

۴. *جغرافیای تاریخی حافظ ابرو*، ج ۲، ص ۹۶.

۵. حمزه اصفهانی (۱۹۶۱)، *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء*، بیروت: دار مکتبه الحیاه، ص ۳۸.

۶. *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۱۲۳.

۷. *تاریخ سنی ملوک و الارض*، ص ۳۸؛ همچنین نک: مرتضی عطایی و دیگران، «رستقباد خوزستان و رستقباد عراق، بررسی جغرافیای تاریخی جای نام‌های مشابه»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۵، ش ۶، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۳ هـ ق ۷

یاد می‌کنند باید همان قریه‌ای باشد که پیش از این بلاذری از آن یاد می‌کند، اما مستوفی نام اولیه شهر را «لشکر» و بنای آن را به لشکر بن‌طهمورث دیوبند نسبت می‌دهد. وی بدون اشاره به رستقباد، شهر لشکر را تجدید بنا شده توسط شاپور دوم بنام «بورج شاپور» می‌خواند.^۱ برخی چون عطائی و دیگران می‌نویسند: عدم اشاره وی به رستقباد بعنوان پیشینه استقرار عسکر مکرّم و نیز عدم اشاره دیگر نویسندگان به بورج شاپور به عنوان نام قدیمی‌تر جایگاه عسکر مکرّم، امکان اشتباه جغرافیایی مستوفی را قوت می‌دهد.^۲ اگر چه در ذکر بورج شاپور نمی‌توان به منبع مورد استفاده مستوفی پی برد، اما اگر بپذیریم رستقباد تجدید بنا شده بورج شاپور باشد بعید به نظر نمی‌رسد که این شهر در هر دوره به نامی تجدید بنا و مورد توجه قرار گرفته است.

شهرهای نوین در دوره‌ی اسلامی، عمدتاً پایگاههای نظامی «رباط» بودند که دولت اسلامی برای حفظ ارتباط سپاهیان خود «مجاهدین» با مبدا حرکت آنها بر پا می‌کرد. این گونه شهرها گاه با سیاست از رونق انداختن شهرهای قدیمی نیز ساخته می‌شد و شهر جدید در کنار شهر قدیم با فاصله‌ای اندک از آن بر پا می‌شد.^۳ رشد عسکر مکرّم در مقابل رستقباد، از این امر حکایت دارد. تعریفی که وبر نیز از شهر نظامی می‌دهد در مورد بنیان عسکر مکرّم مصداق دارد: «شهر در زمان‌های گذشته، در دوران باستان و قرون وسطی چه در داخل و چه در خارج اروپا به منزله دژ و قلعه نیز بود... دژ شهر به منزله یک قلعه اربابی بوده است که امیر و جنگاوران او به عنوان گماشتگان و پیروانش در آن ساکن بودند».^۴ بنای عسکر مکرّم نیز به وجود یک فرمانده نظامی و استقرارشان در این محل بر می‌گردد. با وجود این، رستقباد به عنوان پیشینه شهر جدید در دوره‌ی ساسانی تا استقرار مکرّم در نیمه دوم قرن اول هجری، تحت‌تاثیر عوامل محیطی - جغرافیایی یعنی بستر رودخانه کارون و زمین‌های حاصلخیز آن رونق یافته بود. در مورد رستقباد پیشینه عسکر مکرّم به دلیل زمین‌های حاصلخیز آن به یک بازار مرکزی عمده درآمد و به نظر

۱. مستوفی (۱۳۸۹)، نزهه / القلوب، تصحیح گیلسترنج، تهران: اساطیر، ص ۱۱۲.

۲. «رستقباد خوزستان و رستقباد عراق»، ص ۱۲۴.

۳. محسن حبیبی (۱۳۷۵)، از شار تا شهر، تهران: دانشگاه تهران، ص ۵۱.

می‌رسد دارای یک جمعیت مسیحی‌نشین نیز بوده است، سپس در دوره‌ی اسلامی عسکر مکرّم دارای یک موقعیت سوق‌الجیشی شد که به عنوان یک مرکز نظامی راه ارتباطی به کوه‌های لرستان را پوشش می‌داد.^۱ علاوه بر این، چنانکه اشاره خواهد شد عسکر مکرّم در قرون سوم و چهارم از ویژگی نظامی و سیاسی فاصله می‌گیرد و به یک شهر—بندر تجاری تبدیل می‌شود.

موقعیت این شهر به فاصله یک منزل از شوشتر در جایی که راه فارس از طرف رامهرمز به نهر گرگر می‌رسید واقع است. موقعیت آن را می‌توان در بند قیر (نزدیک روستای جلیعه امروزی) که در آنجا آب گرگر به کارون می‌ریزد تعیین نمود.^۲ در اینجا بود که نیروهای خلیفه معتمد در ۲۶۶ق یکی از پل‌های ارتباطی آن را برای مقابله با شورشیان صاحب‌الزنج تخریب کردند.^۳

ب) تحول عسکر مکرّم به باراندازی ترانزیتی و شهری تولیدی و نتایج فرهنگی آن: در منابع قدیمی‌تر نیز اشاره مختصری به این شهر شده است؛ اصطخری از عسکر مکرّم به عنوان شهر لشکر یاد می‌کند و نقل می‌کند کشتی‌های بزرگ میان عسکر مکرّم و اهواز تردد داشتند.^۴ شهری با سواد، خرم و با نعمت فراوان و همه شکرهای جهان سرخ و سپید و قند از اینجا تامین می‌شود.^۵ نقل است که این شهر از اهواز آبادتر گردید؛^۶ بهترین شهر عجمان و دارای میوه‌ها و بازارهای خوب، شیرینی‌های ارزان، نان‌های خوب و تجارتخانه‌های بزرگ بود و دانشمندان بزرگ آن تا ظهر در مسجد مشغول درس هستند؛ اما با پرداختن به علم کلام خود را از چشم مردم انداخته‌اند و با اعتزال‌گرایی از دیگر مسلمانان جدا شدند تا

1. C.B Bosworth (1987), "Askar Mokram", *Encyclopedia Iranica*, vol II, fasc.7, London and New York: Routledge and Kegan Paul, p768.

۲. بارتولد (۱۳۰۸)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران: چاپخانه اتحادیه تهران،

ص ۲۴۴؛ گئی لسترنج (۱۳۷۳)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران:

علمی و فرهنگی، ص ۲۶۶-۲۶۵، ۲۵۵.

۳. تاریخ الامم و الملوك، ج ۹، ص ۵۵۰-۵۴۹.

۴. المسالك و الممالك، ص ۶۳-۶۲.

۵. مولف مجهول (۱۴۲۳ق)، حدود العالم، محقق یوسف الهادی، قاهره: دار الثقافیه للنشر، ص ۱۵۰.

۶. صورة الارض، ج ۲، ص ۲۵۲.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۳ هـ ق ۹

آنجا که عوام به ایشان بد می‌گویند؛ شهر به دو کرانه (نهرگرگر) است آنچه در سمت عراق (جانب غربی) بود آبادتر بود مسجد جامع و بیشتر بازارها نیز در این قسمت است و میان کرانه‌ها را دو پل به هم وصل می‌نمود.^۱ همچنین در این شهر، بازارها و صنایع رونق دارد، متصل به مزارع بوده و در آن تجار و مردمان مختلفی زندگی می‌کنند^۲ و می‌تواند آذوقه دو کشور را تامین کند.^۳

علاوه بر این، تجارت در این شهر رونق داشت. اصطخری و ابن حوقل نقل می‌کنند کشتی‌های بزرگ بر ساحل عسکر مکرم رفت و آمد می‌کردند و ابن حوقل خود عسکر مکرم تا اهواز را - که ۱۰ فرسخ است - با کشتی ۶ فرسخ پیموده است.^۴ از جمله کالاهای تجاری این شهر- بندر، بافت مقنعه، پارچه، جامه و دستمال از ابریشم خام بود که بیشتر به عراق صادر می‌شد،^۵ و یا چنانکه اشاره شد شکر و قند آن به تمام دنیا صادر می‌شد. در واقع بسیاری از شهرهای خوزستان از جمله عسکر مکرم را می‌توان بنادر رودخانه‌ای تلقی کرد؛ زیرا در گذشته رودخانه کارون تا عسکر مکرم قابل کشتیرانی بود. اگر چه عسکر مکرم در اواخر قرن اول هجری دارای بنیان نظامی بود، اما در قرون سوم و چهارم از ماهیت یک شهر نظامی فاصله گرفته و در جهت یک شهر- بندر تجاری پیش رفت. توصیفی که وبر از دو نوع شهر تولیدکننده و سوداگر به دست می‌دهد در مورد عسکر مکرم در قرون مذکور مصداق دارد. مقدسی در این رابطه به سودآوری شهرهای خوزستان به‌ویژه عسکر مکرم اشاره دارد.^۶ از این رو وجود تجارتخانه‌های بزرگ، تجار و مردمان مختلف و رواج

۱. مقدسی (۱۴۱۱ق)، /حسن التقاسیم، قاهره: مکتبه مدبولی، ص ۴۱۰-۴۰۹؛ جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۶۶-۲۶۵.

۲. محمد بن محمد ادریسی (۱۴۰۹ق)، نزهه المشتاق، ج ۱، بیروت، عالم الکتب، ص ۳۹۵؛ محمد بن عبدالمنعم حمیری (۱۹۸۴)، الروض المعطار فی خبر الاقطار، مصحح احسان عباس، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ص ۴۲۰.

۳. /حسن التقاسیم، ص ۴۰۶-۴۰۵.

۴. صوره الارض، ج ۲، ص ۲۵۳.

۵. /حسن التقاسیم، ص ۴۱۶.

۶. همان.

اندیشه‌های معتزلی در عسکر مکرّم از یک شهر پر رفت و آمد و بین‌المللی حکایت دارد. اهمیت آن از آنجا پیدا است که در قرون سوم و چهارم از اهواز آبادتر بود. امروزه بقایای شهری وسیع به طول حدود یک و نیم کیلومتر و عرض حدود ۸۰۰ متر، بقایای خانه‌ها، کارگاه‌های سفالگری، خیابان‌ها و یا راسته بازارها، ارگ حکومتی منتهی به رودخانه مَسْرُقان، و بقایای دهانه‌های پلی در مقابل آن در ویرانه‌هایش دیده می‌شود. بر سطح ویرانه‌های مذکور بقایای فرهنگی از ادوار مختلف باقی است که طی بررسی سطحی علی بحرانی‌پور و یاسوهیرو یوکائیچی عمده آن شامل سفالینه‌های سبز تیره ساسانی، سفالینه‌های سفید موسوم به نیشابوری و سفالینه زرد و سبز روشن آملی - طبرستانی انبوهی از سفال‌های تک رنگ فیروزه‌ای (ری، کاشان و ساوه) مربوط به قرون یکم تا چهارم هجری و سلادن‌های^۱ چینی وارداتی به رنگ سبز زیتونی است که، غالباً از عهد سلسله سونگ در چین (قرون ۷-۵ هـ.ق/ ۱۳-۱۱ م) مشاهده شد، اما شواهدی از واردات سرامیک‌های چینی روزگار سلسله مغولی یوان (۸-۷ هـ.ق/ ۱۴-۱۳ م) یا سرامیک‌های آبی و سفید موسوم به پروسلین^۲ از سلسله مینگ (۱۷-۱۵ م/ ۱۱-۹ هـ.ق) یا ادوار پس از آن به دست نیامد. همچنین بقایای مقداری سفال‌های عباسی، و سفالینه‌های زبر سیاه بی‌لعباب هندی نیز مشاهده شد. با توجه به شواهد فوق، به‌خصوص بقایای ضایعات لعباب، خمیر کوره و خمیر شیشه، پایه‌های سفالین مخصوص قرار دادن سفال در کوره‌های سفال‌پزی و بقایای ذوب آهن،^۳ به نظر می‌رسد که عسکر مکرّم در سده‌های نخستین اسلامی به تدریج

۱. در قدیمی‌ترین ادوار تاریخ ظرف‌سازی در چین، سفالگری وارد مرحله و ترکیب تازه‌ای از پخت و تولید ظروفی شد، که امروزه بنام سرامیک Ceramics شهرت دارند. یکی از سرامیک‌های چینی، سلادن Celadon نام دارد که رنگ سبز زیتونی‌اش آن را بسیار شبیه ظروف گرانقیمتی می‌ساخت که از سنگ یشم می‌ساختند و در حد فاصل قرن سوم تا قرن نهم میلادی یکی از پیشرونده‌ترین مکتب‌های سرامیک‌سازی بود.

۲. پروسلین porcelain، نوعی سرامیک با بدنه سفید درخشان و نیمه شفاف بود که با طرح‌های متنوع لاجوردی از موادی چون کبالت و لاجورد تزئین می‌شدند. دارای تزئینات متنوع شامل کنیبه‌های چینی و طرح‌های گیاهی و حیوانی و مناظر طبیعت بود.

۳. مشاهده میدانی بقایای شهر عسکر مکرّم (روستای جُلِیعه، جاده اهواز- شوشتر) توسط علی بحرانی‌پور و یاسوهیرو یوکائیچی (استاد تاریخ مغول دانشگاه واسه‌دای توکیو) به تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۹۱.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۳ هـ ق ۱۱

به شهری تولیدی بدل شده بود. علاوه بر آن، تقریباً از قرن چهارم عسکر مکرّم با تجارت دریایی چین و هند و واردات اینگونه سفالینه‌ها ارتباط داشت.

و بر به اهمیت ارتباط شهر با کشاورزی نیز اشاره می‌کند. یعنی در عین حال که شهر به مثابه مکان‌های بازار خرید و فروش و مراکز مبادلات ایفای نقش می‌کنند، بخش بزرگی از نیازهای غذایی خود را از طریق کشت و زرع و تولید محصولات کشاورزی برآورده می‌کنند.^۱ عسکر مکرّم نیز دارای زمین‌های حاصلخیز بود و در کنار تولیدات صنعتی محصولات کشاورزی آن نه تنها نیازهای داخل را مرتفع می‌کرد، بلکه به خارج نیز صادر می‌شد. بهترین نیشکر در اینجا به عمل می‌آمد و به اکثر شهرهای ایران، عراق و یمن صادر می‌شد.^۲

علاوه بر قابل کشتیرانی بودن رود کارون در آن زمان و تاثیر آن بر رونق گرفتن شهر— بندرهای متعدد در خوزستان، به نظر می‌رسد شکوفایی تجارت و رشد شهرنشینی و تسامح اندیشه در شهرهای خوزستان در سایه سیاست‌های حمایتی دولت آل‌بویه نیز بوده است. در این دوره، بخش قابل ملاحظه‌ای از عوارض در داخل به آبادانی شهرها، حفر قنات‌ها و کانال‌ها می‌رسید،^۳ چنانکه عضدالدوله در قرن چهارم برای سهولت تجار و مسافران با حفر یک کانال کارون را به دجله وصل نمود.^۴ بدون تردید راه آبی جدید، صدور کالاها را به عراق تسهیل می‌کرد.

اهمیت این شهر از آنجا پیداست که سکه‌هایی در دوره عباسیان به تاریخ ۲۹۹ ق و بویه‌یان زمان عضدالدوله (۳۷۲-۳۳۸) در سال‌های ۳۴۴-۳۴۰ در اینجا ضرب شده بود.^۵ کرومر اشاره می‌کند رشد شهرنشینی و گسترش تجارت و تساهل اندیشه در عراق و غرب ایران در این زمان در سایه حکومت نسبتاً روشن‌اندیش آل‌بویه پدید آمد. امرای آل‌بویه با حمایت از فیلسوفان در دربارهای خویش— از جمله صاحب بن عباد وزیر معتزلی— شرایط

1. *The City*, pp70- 71.

۲. /حسن التقاسیم، ص ۴۱۶؛ جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۵۴.

۳. حسین سلطان‌زاده (۱۳۶۵)، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: آبی، ص ۸۲.

۴. /حسن التقاسیم، ص ۴۱۹.

5. "Askar Mokram", p768.

تنوع افکار را بوجود آوردند.^۱ ارتباطات تجاری و دادوستدها و رفت و آمدها به تسامح افکار و اعتزال‌گرایی نیز کمک می‌کرد. چنانکه اکثر دانشمندان عسکر مکرّم و دیگر شهرهای خوزستان، معتزلی مذهب بودند. از جمله این دانشمندان، حسن بن عبدالله عسکری (متوفی ۳۸۲ق) حکیم لغوی - در علوم حدیث دو کتاب «تصحیفات المحدثین» و «اخبار المصحفین» از آثار او است - کتاب‌های بسیاری در ادبیات عرب تالیف نمود و خواهرزاده و شاگرد وی ابوهلال عسکری (متوفی ۳۹۵هـ) است آثاری در این زمینه با عناوین *الصناعتین و الاوائل و جمهره الامثال* تالیف کرده است.^۲

ج) دلایل تاریخی و طبیعی زوال عسکر مکرّم: حال سوال این است که سرنوشت شهر عسکر مکرّم با وجود رونق تجاری و رشد فرهنگی چه شده است؟ گزارش بنداری نشان می‌دهد که این شهر همچنان در قرن ششم هجری پا بر جا بود. وی نقل می‌کند که عمادالدین اصفهانی^۳ از راه خوزستان به بغداد سفر کرد و ۵۴۹ق وارد شهر عسکر مکرّم شد و می‌گوید: «این شهر را سلطان ملک‌شاه بن محمود سلجوقی اختیار داشت و به وجود وی راه‌ها و توابع شهر در امنیت می‌گذراندند».^۴ اذعان به امنیت حاکی از دوره‌ای ناامنی در این شهر بود، زیرا می‌دانیم که پیش از این، پس از فوت ملک‌شاه اول (۴۸۵هـ) بسیاری از شهرهای ایران دستخوش جنگ‌های جانشینی و بی‌ثباتی گردید و خوزستان به ویژه عسکر مکرّم به یکی از پایگاه‌های نظامی برکیارق (۴۹۸-۴۸۵) و دست‌نشانده وی امیر

۱. جوئل ل. کرومر (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در آل‌بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی*، ترجمه

محمد سعید حنایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۳۴.

۲. *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۱۲۴؛ احمد بن یحیی ابن فضل الله عمری (بی‌تا)، *مسالك الابصار فی ممالك الامصار*، ج ۱۵، محقق مصطفی مسلم، ابوظبی: المجمع الثقافی؛ ص ۷۲۰؛ محمد مهدی ملایری (۱۳۷۹)، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، ج ۱، تهران: توس، ص ۴۹؛ نک: همان، ج ۲، ص ۴۸۰، ۲۸۲؛ ج ۴، ص ۶۲؛ ج ۵، ص ۲۳۶.

۳. ابو عبدالله محمد بن صفی‌الدین محمد بن حامد معروف به کاتب اصفهانی یا عماد اصفهانی صاحب کتاب نصره الفتره در تاریخ سلجوقیان عراق از فقهای شافعی اواخر قرن ششم هجری بود.

۴. بنداری (۲۵۳۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۹۴.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۳-۴ هـ ق ۱۳

برسق در خوزستان تبدیل گردید. برکیارق بارها برای تدارک منابع و سپاه علیه رقیبش سلطان محمد سلجوقی به عسکر مکرّم می‌آمد.^۱ با توجه به این که اطلاع اندکی در مورد نتایج حضور ترک‌ها و جنگ‌های جانشینی آنان در خوزستان داریم، اما از غارت‌گری و ویران‌گری و بی‌ثباتی در سایر شهرها می‌توان نتیجه گرفت که خوزستان نیز بی‌تأثیر از شرایط مذکور نبوده است.^۲ در نیمه دوم قرن ششم نیز موج جدیدی از اسکان قبایل ترک را در خوزستان شاهد هستیم: «چون مدت سلطنت سلجوقیان خواست سپری شد چند فوج از ترکمانان از نواحی قفچاق سرازیر شدند یعقوب بن ارسلان افشری با قومی انبوه خوزستان را اختیار کردند».^۳ ضعف امرای آل‌بویه در این اواخر، و ظهور سلجوقیان و ورود قبایل ترک به فقدان حکومتی مقتدر در فارس، خوزستان، و عراق انجامید. در بعد بین‌المللی نیز به واسطه حمایت‌های دولت فاطمی مصر (۵۶۷ - ۲۹۷) شبکه منظمی از تجارت در مصر، یمن، افریقه، و هندوستان از مسیر دریای سرخ تشکیل گردید که به مرور تجارت خلیج فارس را از رونق انداخته بود.^۴

بنابراین، به نظر می‌رسد جنگ‌های جانشینی خاندان سلجوقی که به ناامنی و تبدیل شهرهای تجاری به مراکز صرفاً نظامی، به ویژه در خوزستان و عراق انجامید و پس از آن هجوم انبوه قبایل که امروزه به افشارهای خوزستان نیز معروف هستند و مهمتر، تغییر خط سیر تجاری از خلیج فارس به دریای سرخ در قرون پنجم و ششم تأثیر عمده‌ای در خشکانیدن رونق شهر-بندرهاى تجارى خوزستان داشته‌اند.

از آنجا که در قرن هشتم، مستوفی از این شهر یاد می‌کند، نشان می‌دهد که تا این زمان دارای حیات بوده و سپس از رونق افتاده و نام آن در نقشه‌ها ناپدید شده است.^۵ امام

۱. ابن‌اثیر (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۰، بیروت: دار الصادر، ص ۳۰۴-۳۰۳.

2. Nanette Marie Pyne (1982), "The Impact of the Seljuq Invasion on Khuzestan: an Inquiry into the Historical, Geographical, Numismatic and Archaeological Evidence", doctoral dissertation, university of Washaington, pp137- 138.

۳. وصاف/الحضره (۱۳۸۳)، *تحریر تاریخ وصاف*، تصحیح عبدالمحمید آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۸۹.

۴. عبدالرسول خیراندیش و مجتبی خلیفه، «تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی؛ سده‌های ۵ و ۶

هجری»، *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، س ۷، ش ۶۵، ۷۲-۸۸.

5. "Askar Mokram", p768.

شوشتری معتقد است که این شهر تا زمان مستوفی، آباد نبوده، زیرا این تاریخ‌نویس سخن خود را از گفته‌های دیگران رونویسی کرده است. وی معتقد است خرابی شهر بیشتر در اثر راه یافتن آب گرگر (مسرقان) بوده است. از آثار سد شکسته که به نام دارا در آن حدود است، پیداست که برای جلوگیری از آب اقداماتی صورت گرفته است؛ اما تاریخ خرابی آن سد به خوبی در دست نیست.^۱ به نظر می‌رسد گفته امام شوشتری به واقعیت نزدیک‌تر باشد. از آنجا که گزارش بنداری در ۵۴۹ ق. از امنیت شهر و توابع آن سخن می‌گوید؛ هرچند چنین به نظر می‌رسد در این زمان عسکر مکرّم رونق سابق را ندارد؛ می‌توان چنین استنباط نمود که احتمالاً در حدود نیمه دوم قرن ششم و یا در قرن هفتم هجری در اثر طغیان رودخانه این شهر از میان رفته باشد. منابع این عصر اطلاعی از عسکر مکرّم به دست نمی‌دهند. جغرافی‌نویسانی چون محمد بن نجیب بکران (وفات، ۶۰۵ هـ.ق)، ذکریا قزوینی (۶۸۲ هـ.ق)، ابوالفداء (۷۳۲ هـ.ق)، مستوفی (۷۵۰ هـ.ق)، و حافظ ابرو (۸۳۴ هـ.ق) در ذکر عسکر مکرّم تنها به تکرار نوشته‌های پیشینیان می‌پردازند.

وجود سلاطین‌های چینی مرتبط با سلسله سونگ (حک: قرون پنجم و ششم هـ.ق) و نبود آثار سرامیک‌های چینی سلسله یوان مغولی در قرون بعدی در شهر عسکر مکرّم بر پایه بررسی‌های میدانی حاکی از آن است که رونق و حیات این شهر از قرن هفتم هجری از میان رفته است.

در دوره‌ی ساسانیان تا قرون نخستین اسلامی نهر گرگر (مسرقان) با عبور از میان شهر عسکر مکرّم در مسیر جداگانه به دریا می‌رفت.^۲ از آنجا که گزارش‌های اصطخری و ابن‌حوقل از تردد کشتی‌ها میان عسکر مکرّم و اهواز حکایت دارد؛ کسروی معتقد است بین شاخه مسرقان و شاخه دیگر که مستقیم از شوشتر به اهواز می‌رفت نهری ایجاد شده است که به مرور گسترش یافته و در محل بند قیر به شاخه دیگر متصل شده است؛ از اینرو کشتی‌ها به راحتی می‌توانستند بین این دو شهر تردد کنند و شاخه مسرقان که مستقیم به دریا می‌رفت کم آب شده بود. از آنجا که تقسیم آب کارون و ایجاد نهر مسرقان به دلیل

۱. محمدعلی امام شوشتری (۱۳۳۱)، تاریخ جغرافیای خوزستان، تهران: امیرکبیر، ص ۱۲۷.

۲. احمد اقتداری (۱۳۵۳)، دیار شهریاران، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی، ص ۵۷۸.

محافظت از شهر اهواز و بند آن در مقابل طغیان احتمالی کارون بود به نظر می‌رسد در نیمه دوم قرن چهارم، چنان‌که از گفته‌های ابن‌سرایون بر می‌آید، بار دیگر بخش زیاد آب کارون را به نهر سابق یعنی مسرقان انتقال دادند؛ چرا که این‌اثر نیز در اواسط قرن پنجم از وجود پل‌هایی بر نهر مسرقان سخن می‌گوید.^۱ اگر فرض کسروی را بپذیریم بدون تردید انتقال آب به مسرقان در مسیری که مستقیم به دریا می‌رفت و کم آب شدن شاخه اتصال این نهر با کارون مانع از تردد کشتی‌های تجاری می‌شد که به این شکل عسکر مکر م اهمیت اقتصادی و رونق تجاری خود را از دست می‌داد، ضمن اینکه انتقال جریان عظیم آب به مسرقان که از میان عسکر مکر می‌گذشت شهر را با طغیان‌های احتمالی مواجه می‌ساخت. چنان‌که امروزه آثار تخریب آب و رسوب‌ها به وضوح در این منطقه مشاهده می‌شود.

سوق الاربعاء^۲ (چهارشنبه‌بازار): تکوین و تحول از بازارگاهی موقت به شهر بارندازی دائمی: از دیگر شهرهای کمتر شناخته شده خوزستان می‌توان به شهر سوق الاربعاء یا چهارشنبه‌بازار اشاره کرد. چهارشنبه‌بازار چنان‌که از نامش بر می‌آید بازارگاهی فصلی برای مبادله محصولات روستاهای مجاور از طریق مواصلات رودخانه‌ای بود. این شهر در کنار شاخه‌ای از نهر مسرقان و بر دو کرانه آن بود. پلی چوبین نیز دو سو را به هم می‌پیوندید و کشتی‌های بزرگ از زیر آن می‌گذرند؛ سمت عراق آن آبادتر و جامع‌تر بود.^۳ این شهر بین راه اهواز و حصن مهدی واقع بود و ظاهراً بیش از همه‌ی نواحی اهواز شهرت داشت.^۴ یک کارشناس باستان‌شناسی معتقد است شهر سوق الاربعاء در ۷۵ کیلومتری محور اهواز-خرمشهر واقع بود که امروزه طرح نیشکر شرکت «کشت و صنعت میرزا کوچک خان» در این مکان باستانی راه‌اندازی شده است.^۵ بدین ترتیب می‌توان مسیر این شهرها را از عسکر مکر - اهواز (سوق‌الاهواز) - سوق الاربعاء (محدوده خرمشهر) تعیین نمود. اساس

۱. نک: کسروی (۱۳۸۴)، تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران: دنیای کتاب، ص ۹۰-۸۰.

2. Suqal-Arbaa

۳. /حسن‌التقاسیم، ص ۴۱۲؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۳۷.

۴. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۲۴۵.

۵. حمیدرضا فرخ‌احمدی، «سایه فراموشی بر سه شهر تاریخی در خوزستان: بصری، سوق الاربعه و جبّی»، وطن امروز، ش ۱۹۴ (۱۳۸۸ / ۰۵ / ۰۱)، ص ۷.

شکل‌گیری سوق‌الاربعا همانطور که از نام آن پیداست، بازاری است که اختصاص به روزهای هفته دارد. به نظر می‌رسد این شهر-بازار در قرون نخستین اسلامی در نتیجه رونق تجارت در مسیر رودخانه کارون از شمال به جنوب پایین‌تر از اهواز تأسیس شده و اساس آن عرضه کالاها در روز چهارشنبه بود که به مرور زمان این بازار به شهر گسترش یافته است. به تعبیر وبر^۱ می‌توان از آن به عنوان «شهر-بازار» یاد کرد، زیرا که دادوستد کالا در بازار محلی به مشخصه اصلی آن تبدیل می‌شود. در خصوص زوال این شهر منابع اطلاعی به دست نمی‌دهند؛ اما با توجه به عامل طبیعی در نابودی شهر «جبی» که در ادامه بدان می‌پردازیم، به نظر می‌رسد این شهر نیز در اثر حوادث طبیعی از میان رفته است.

جُبی^۲ (گبان): توسعه روستایی در میان خرماستان‌ها به یک شهر-بندر رودخانه‌ای: در مسیر رودخانه کارون، پایین‌تر از سوق‌الاربعا شهر جبی قرار داشت. جبی یکی از شهرهای خوزستان در حوالی رود شوشتر و بسیار پر نعمت بوده است.^۳ این شهر دارای نخیل و نیشکر بسیار بود و بناهای آن با درختان خرما و نیشکر و جز آن به هم پیوسته است. ابوعلی جبائی، شیخ معتزله در قرن سوم، از این شهر بود.^۴ پسر وی ابوهاشم جبایی (متوفی ۳۲۱ هـ.ق)، مکتب معتزلی بصره را به بغداد منتقل نمود. صاحب بن عباد وزیر معتزلی آل‌بویه از جمله شاگردان وی بود. همچنین ابو عبدالله بصری نیز از پیروان وی محسوب می‌شد.^۵ جیهانی این شهر را جبان آورده است و می‌گوید دارای روستاهای بزرگ و آبادان و با نعمت فراوان و در آن خرماستان‌ها و نیشکر بسیار است.^۶ موقعیت این شهر در مسیر رودخانه کارون - به ترتیب در ادامه شهرهای عسکر مکرّم - اهواز - سوق‌الاربعا - جُبی قرار دارد. نام این شهر به شکل «گبان» نیز آمده است که عرب‌ها آن را «جبان» یا «جبی» خواندند.^۷ بدون تردید مسیر این رودخانه از زمان‌های باستان به ویژه در دوره‌ی

1. *The City*, p68.

2. Jubba

۳. حدود العالم، ص ۱۴۹.

۴. المسالك و الممالك، ص ۶۵؛ صورة الارض، ج ۲، ص ۲۵۷.

۵. احیای فرهنگی در آل‌بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ص ۱۱۹-۱۱۸.

۶. اشکال العالم، ص ۱۰۶.

۷. احمد اقتداری (۱۳۷۵)، خوزستان و کهگیلویه و ممسنی، تهران: موسسه فرهنگی آیات، ص ۶۹۳.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۳ هـ ق ۱۷

ساسانیان - که توجه ویژه‌ای به شهرسازی و سازه‌های آبی داشتند - دارای شهرها و دهکده‌های آبادی بوده است. دهکده‌ی جبی نیز در دوره‌ی اسلامی، به یک شهر - بندر رودخانه‌ای تبدیل شده است، چنانکه در بالای رودخانه دهکده رستقباد در دوره‌ی اسلامی به شهر بزرگی با نام عسکر مکرّم گسترش یافته بود.

طبری در ذکر حوادث دهه پنجاه قرن سوم هجری، از عبور کشتی‌هایی در این مسیر سخن می‌گوید که در شهر جبی، بیان تا بصره مورد دستبرد شورشیان صاحب‌الزنج قرار گرفته‌اند. سالار زنگیان و یاران وی تباهی بسیاری در این نواحی بوجود آوردند. دویست کشتی که در آن جامه‌ها، لنگ‌های آرد و مرغ‌های آبی بودند غارت شدند و در جایی دیگر در همین مسیر اشاره می‌کند هزار و نهصد کشتی که در آنها حج‌گزاران نیز بودند و قصد داشتند از راه بصره بروند مورد دستبرد و غارت قرار گرفتند.^۱ معلوم نیست این شهر تا چه زمانی به حیات خود ادامه داده است، اما بدون تردید غارت‌گری‌های زنگیان که بخش وسیعی از خوزستان تا بصره را تصرف داشته‌اند در از رونق انداختن این شهرها و مسیرهای تجاری بی‌تأثیر نبودند.

همچنین طبری در ذکر حوادث اواخر قرن سوم هجری روایتی را نقل می‌کند که به نظر می‌رسد از این زمان شهر جبی دیگر رونق سابق خود را به‌دست نیاورده بود: «در سال ۲۹۱ هـ ق جبی را سیل گرفت و بسیاری از خلق در آن غرق شدند. سیل مساحت سی فرسنگ را شست و انسان و حیوان و غله و کالا را برد. بسیاری از قریه‌ها ویران شد و عده هزار و دویست تن از روی آب گرفته شدند و نجات یافتند و دیگران که بسیار بودند با آب رفتند».^۲ بنابراین در فاصله ۲۵۰ هجری تا اوایل قرن چهارم، علل تاریخی و طبیعی در نابودی این شهر مؤثر بوده است. اگر چه گزارشی از حوادث طبیعی یا تاریخی در سرنوشت شهر سوق‌الاربعا وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد چنین حوادث تاریخی و طبیعی که در مورد جبی آمده است در از بین بردن این شهر که در همین مسیر در بالا دست جبی قرار داشت بی‌تأثیر نبوده است. گسترش تجارت و اوج رونق این شهرها ظاهراً

۱. تاریخ الامم و الملوك، ج ۹، ص ۴۳۰-۴۲۴.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۱۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۵۳۲.

در قرن سوم هجری به‌ویژه نیمه اول آن است که در سایه آن به رشد فرهنگی نیز رسیده بودند، چنانکه دانشمندان معتزلی چون خاندان جبائی از اینجا برخاسته‌اند. یک کارشناس باستان‌شناسی که سال‌ها برای کشف موقعیت جبی کار کرده است، اعتقاد دارد موقعیت جبی در منطقه نفتی «دارخوین» کنونی در فاصله شهرهای خرمشهر- شادگان واقع بود.^۱ دورق:^۲ تکوین شهری از پیوند بازارگاهی فصلی با روستاهای مجاور و توسعه آن به عنوان بندری مواصلاتی

الف) برآمدن دورق به عنوان بازارگاهی فصلی برای روستاها و شکارگاه‌های مجاور: یکی دیگر از شهرهای عمده خوزستان در این زمان، دورق است که به دورق‌الفرس نیز معروف بود، شهری پر جمعیت و مرکز روستایی موسوم به سُرق داشت. این شهر در واقع کرسی سرق بود.^۳ دورق در سال شانزده هجری توسط ابوموسی اشعری به عنو فتح شده بود.^۴ خرابه‌های آن در نزدیکی شادگان کنونی قرار دارد. دارای آثار قدیمی مربوط به دوران قباد است، معادن بسیار از جمله گوگرد دارد که گفته می‌شد نوع آن در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود. در این شهر همچنین آثار چندین آتشکده وجود دارد و دارای بناهای شگفت‌انگیز است.^۵ مقدسی نقل می‌کند: «دورق بازاری بزرگ دارد، خوش ساختمان است و مرکز بافته‌های درشت است، مسجد جامع آن در آن سوی شهر است، از آب نهر می‌آشامند و مرکز گرد هم آمدن حاجیان فارس و کرمان بوده است». ^۶ محله‌های آن عبارتند از: آذر، اجم، دز، اندبار، میراثیان و میراثیان؛^۷ میراثیان دورق در دو کرانه است و

۱. «سایه فراموشی بر سه شهر تاریخی در خوزستان؛ بصری، سوق‌الاربعه و جبی»، ص ۷.

2. Dawraq

۳. المسالك و الممالك، ص ۶۲؛ صورة الارض، ج ۲، ص ۲۵۸، ۲۵۲.

۴. فتوح البلدان، ص ۳۷۱.

۵. ابودلف (۱۹۷۰)، الرسالة الثانية لأبي دلف، ترجمه محمد نیر مرسی، مصحح انس خالدوف / بولغاکوف پطرس، قاهره: عالم الکتب، ص ۹۶-۹۵؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۳؛ جغرافیای تاریخی حافظ ابرو، ج ۲، ص ۹۸.

۶. احسن التقاسیم، ص ۴۱۲.

۷. همان، ص ۴۰۷-۴۰۶.

هر کرانه دارای یک بازار و یک مسجد جامع است. میراقیان نیز روستایی بزرگ در کنار نهری است که جزر و مد بدان می‌رسد، آبادی‌ها و دیه‌های فراوان دارد.^۱ این شهر در کنار رودخانه‌ای به همین نام و آن را دورق‌الفرس یا دورق ایران می‌گویند. دارای روستاهای وسیع و بازاری بزرگ است که کالاهای فراوان در آنجا انبار می‌شود و کسانی که به قصد حج از فارس و کرمان می‌آیند از آنجا می‌گذرند. این شهر همچنین به ساختن پرده‌ها نیز شهرت داشت. مسجد آن در کنار بازار واقع است و در ساحل رودخانه آن دهات بسیار قرار دارد و در حوالی چشمه‌های آب گرم آن گوگرد زرد یافت می‌شود در این چشمه‌ها بیماران را شستشو می‌دهند و بهبود می‌یابند. در قرن چهارم دورق آثاری از عهد ساسانیان و آتشکده‌ای از آن زمان باقی مانده است.^۲ همچنین حوزه این شهر دارای بیشه‌ها و وحوش گوناگون بود. ابودلف به شکار فراوان در این منطقه اشاره دارد.^۳ ظاهراً در دوره‌ی ساسانیان نیز شکار در این منطقه بسیار حائز اهمیت بود؛ چنانکه یاقوت گزارش می‌دهد این منطقه طلسم شده و مادر قباد پادشاه ساسانی آن را طلسم نمود، زیرا قباد بسیار شیفته شکار در این منطقه بود و از اداره امور کشور باز می‌ماند. پس مادرش این طلسم را ساخت تا او از شکار پرهیز کند.^۴ بعدها مستوفی^۵ نیز با استناد به رساله ملک‌شاهی، دورق را یکی از چهار شکارگاه خوزستان ذکر می‌کند. با توجه به وجود بقایای آتشکده‌ها در این منطقه چنین به نظر می‌رسد بنای این شهر به دوره‌ی ساسانی بر می‌گردد، به‌طوریکه پادشاهان ساسانی نیز علاقه خاصی به شکار در این ناحیه داشتند.

ب) تکامل شهر دورق به عنوان «محل تلاقی» (مرکز بارگیری) رودخانه‌ها در قرون اولیه اسلامی: در خصوص وجه تسمیه و بنیان این شهر می‌توان گفت دورق از فارسی معرب شده است. برای بیان تقاطع راه‌ها واژه‌هایی که در فارسی قدیم همچون دوراهی، سه‌راهی

۱. همان، ص ۴۱۲.

۲. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۶۰.

۳. الرسالة الثانية لأبي دلف، ص ۹۴.

۴. معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۳.

۵. نزهة القلوب، ص ۱۱۰.

به کار رفته در عربی به صورت معرب دورق و سرق به کار می‌بردند. از این‌رو دورق معرب دو راه و سرق معرب سه راه است.^۱ به نظر می‌رسد دورق در همین معنی باشد که عرب‌ها به دو راهی ایران اشاره دارند، چرا که این شهر-بندر که به رودخانه و دریا نیز ارتباط داشت یک نقطه ارتباطی مهم محسوب می‌شد. از یک طرف، نقش عمده‌ای در ارتباط میان فارس و بین‌النهرین داشت، چنانکه محل گرد آمدن حاجیان فارس و کرمان بود و چنین به نظر می‌رسد اطلاق دورقی به عنوان صفت پرهیزگاری که یاقوت به آن اشاره می‌کند، نشان از اهمیت حضور حاجیان در این شهر بوده است. از سوی دیگر، دورق از طریق خور به دریا راه داشت و هم از سمت شمال به کارون وصل می‌شد. از این طریق، از طرفی با بندر بصره نیز مرتبط می‌شد، چنانکه کشتی‌ها از دورق برای بصره بارگیری می‌شدند.^۲ مردم بصره نیز که به دریا می‌رفتند هنگام برگشت از راه خور دورق که مسیر راحت‌تری بود به بصره باز می‌گشتند.^۳ از طرف دیگر، دورق با شهر-بندرهاى شمالی چون اهواز، سوق‌الاربعا و عسکر مکرّم ارتباط داشت. کشتی‌هایی که از هندوستان و کیش می‌آمدند در دورق لنگر می‌انداختند؛^۴ از اشاره یاقوت به وجود شهر دورق در کنار رودخانه عسکر مکرّم^۵ می‌توان چنین نتیجه گرفت که این کشتی‌های تجاری تا عسکر مکرّم می‌آمدند، و چنانکه سخن آن رفت سابقاً اصطخری و ابن‌حوقل و مقدسی به تردد کشتی‌های بزرگ در شهر عسکر مکرّم و همچنین سوق‌الاربعا اشاره داشته‌اند.

بدون تردید شهرهایی که دارای راه‌های ارتباطی وسیع و رونق اقتصادی بودند از اهمیت فرهنگی نیز برخوردار می‌شدند. این شهر زادگاه برخی از راویان بوده است: از جمله ابو عقیل دورقی که اصالتاً اهل بصره بود، ابوالفضل دورقی و محمد بن شیرویه تاجی

۱. تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۲، ص ۴۴۳، ۴۱۳. یاقوت نام

دورق را در دو معنی متفاوت: کیل شراب و صفت پرهیزکاری آورده است. معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. احسن التقاسیم، ص ۴۱۲-۴۱۱.

۳. معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۴.

۴. همان.

۵. همان.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۳ هـ ق ۲۱

دورقی که یاقوت از آنان نام می‌برد.^۱ همچنین این شهر زادگاه خاندان شیعه ابن‌مهزیار بود. ابوالحسن علی بن مهزیار - عالم شیعی امامی سده سوم هجری اصالتاً اهل دورق بود و در اهواز مدفون است - و برادرش ابراهیم بن مهزیار و برادرزاده‌اش محمد بن ابراهیم وکلای امام هشتم تا امام دهم (ع) در خوزستان بوده‌اند. آنان اموال شیعیان را به دست ائمه می‌رساندند و از اصحاب نزدیک آنان محسوب می‌شدند. ابن‌مهزیار سی و سه کتاب تالیف نمود؛ حروف قرآن، الانبیاء و البشارات از جمله آثار وی بودند.^۲ خاندان ابن‌سکیت، از دیگر خاندان شیعی قرن سوم بودند که از این شهر برخاسته‌اند. معروفترین آنها ابن‌سکیت یعقوب بن اسحاق دورقی از بزرگان لغت و از اصحاب امام جواد (ع) بود کتابی تحت عنوان «اصلاح منطق» تالیف نمود و در اواسط قرن سوم به دستور خلیفه متوکل عباسی زیر شکنجه به شهادت رسید.^۳

دورق بر خلاف شهر عسکر مکرّم که دانشمندان آن بیشتر اندیشه‌های اعتزالی داشتند؛ دارای مذهب شیعه بودند. برخاستن علمای شیعه مذکور؛ قدمت تشیع را در این شهر نشان می‌دهد. آمد و شد و ارتباط نزدیک با شهرهای عراق و اینکه این شهر نقطه تلاقی حاجیانی بود که از اصفهان و کرمان به مکه می‌رفتند در این زمینه بی‌تاثیر نبوده است. یاقوت به کلاه دورقی اشاره می‌کند که تنها افرادی خاص آن را به سر می‌گذاشتند و دیگر آنکه به دلیل اطلاق دورقی به عنوان صفت پرهیزکاری افراد زیادی به این لقب ملقب بودند، اما اصالتاً اهل دورق نبودند.^۴ این شهر تا قرون متمادی همچنان به حیات خود ادامه

۱. همان، ص ۴۸۳.

۲. کشی (۱۳۴۸ق)، اختیار معرفه الرجال، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ص ۵۴۸-۵۵۰؛ نجاشی (۱۴۱۳ق)، رجال، محقق موسی شبیری، قم: النشر الاسلامی، ص ۲۵۳؛ طوسی (۱۳۸۰ق)، رجال /طوسی، نجف: المكتبة و المطبعة الحیدریه، صص ۴۱۷، ۴۱۰، ۴۰۳، ۳۹۹، ۳۸۱؛ طوسی (۱۳۸۲ق)، رجال کشی، تحقیق محمدتقی فاضل میبدی و ابوالفضل موسویان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۵۷۷؛ زرکلی (۱۹۸۹)، الاعلام، ج ۵، بیروت: دارالعلم للملایین، ص ۲۵.

۳. ابن‌ندیم (۱۳۸۱)، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر، ص ۱۲۲-۱۲۱؛ خطیب بغدادی (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، ج ۱۴، محقق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ حسن صدر (بی‌تا)، الشیعه و فنون الاسلام، قم: السبطين علیهما السلام العالمیه، ص ۴۲۱-۴۲۰.

۴. یاقوت نام چند تن از این افراد ملقب به دورقی را ذکر می‌کند. معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۳.

داد. در اوایل قرن هشتم، بعد از اهواز دومین بخش عمده خوزستان تلقی می‌شد.^۱ از گزارش شاردن نیز چنین بر می‌آید که در دوره‌ی صفویه نیز همچنان رونق داشت، چنانکه در این شهر پارچه‌هایی از پشم درست می‌کردند و بدون دوخت و دوز پوششی عبا مانند می‌بافتند که بسیار گران‌قیمت نیز بوده است.^۲

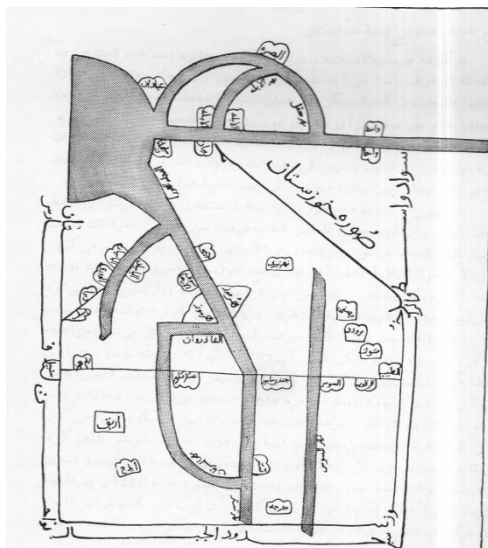
ظاهراً این شهر در زمان نادر شاه (۱۱۶۰-۱۱۴۸ هـ.ق)، اهمیت خود را از دست داده بود. در این زمان شیخ سلمان از قبیله کعب دست مشعشعیان را از دورق کوتاه کرد و شهر تازه‌ای به نام فلاحیه (شادگان امروزی) در جنوب دورق بنا کرد. از این زمان دورق اهمیت خود را از دست داده بود.^۳ از آنجا که دورق در کنار خوری به نام خور دورق واقع بود مثل سایر شهر- بندرهای شمالی چندان در معرض طغیان رودخانه‌ها نبود. به همین دلیل تا قرون متمادی به حیات خود ادامه داد و تنها تحولات سیاسی و جنگ‌های حکام محلی عرب باعث نابودی آن گردید. بنابراین در مجموع عوامل طبیعی و تحولات تاریخی و سیاسی در برهه‌های زمانی مختلف باعث از میان رفتن شهر- بندرهای مسیر رودخانه کارون شدند.

۱. دمشق (۱۳۸۲)، *نخبة الدهر*، ترجمه حمید طبیبیان، تهران: اساطیر، ص ۲۸۱.

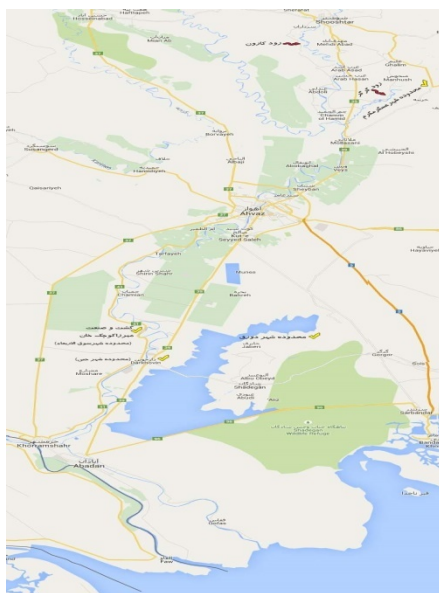
۲. شاردن (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ج ۲، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، ص ۸۹۷.

۳. محمدیوسف واله قزوینی (۱۳۸۲)، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۱۵۰.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۳-۴ هـ ق ۲۳



نقشه خوزستان در قرون سوم و چهارم هجری^۱



محدوده شهرهای قدیمی با نقاط امروزی مشخص شده است

۱. ابن حوقل (۱۳۴۵)، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۲.

نتیجه

در این مقاله بر آن بودیم تا با رهیافت ماکس وبر از بنیان، ماهیت و نقش شهرها به علل برآمدن، افول و اهمیت و نقش تجاری و فرهنگی شهرهای مسیر رودخانه کارون در قرون سوم و چهارم هجری بپردازیم. در این ارتباط عوامل محیطی - جغرافیایی به ویژه بستر رودخانه کارون و توسعه مواصلات و تجارت رودخانه‌ای - دریایی از چین و هند به نواحی عراق و خوزستان همواره عامل مهمی در شکل‌گیری و رونق شهرها بوده است. نظریه «حمل و نقل» که وبر به تأسی از کولی مطرح می‌کند سهم عمده‌ای در بنیان و رونق شهرهای مسیر رودخانه کارون داشته است؛ زیرا به اذعان جغرافی‌دانان، کشتی‌های تجاری بزرگ در این مسیر تردد می‌کردند.

در جایی که وبر از خصیصه نظامی در بنا و گسترش یک شهر سخن می‌گوید؛ می‌تواند در مورد بنیان عسکر مکرّم مصداق داشته باشد، با وجود این رستقباد بعنوان پیشینه عسکر مکرّم پیش از این تحت تاثیر شرایط محیطی به ویژه شاخه گرگر رود کارون شکل و رونق یافته بود. در ادامه مسیر رودخانه کارون پایین‌تر از اهواز، شهر سوق الاربعاء در محدوده خرمشهر امروزی واقع بود. این شهر یکی از شهر-بازارهای دوره‌ی اسلامی بود و همان طور که از نام آن پیداست محل عرضه کالا و دادوستد در روز مشخصی از هفته بود که به شهر تجاری بزرگ تبدیل شد. در این مسیر به سمت جنوب شهر جبی قرار داشت. این شهر اگر چه در قرون اسلامی رونق یافته بود، اما اطلاق نام گبان حکایت از آن دارد که بنیان آن به پیش از اسلام بر می‌گردد و عرب‌ها آن را جبان یا جبی خواندند که در دوره‌ی اسلامی مثل سایر شهر-بندرها شمالی رونق یافته بود. دورق نیز در مقابل جبی در کنار خوری قرار داشت که از یک طرف به کارون و از طرفی به دریا وصل می‌شد. وجود بقایای آتشکده‌ها در این منطقه، حکایت از آن دارد که بنیان، رونق و اهمیت آن به دوره‌ی ساسانیان بر می‌گردد. این شهرها را می‌توان شهر-بندرها رودخانه‌ای نامید که سهم عمده‌ای در تولید محصولات صنعتی چون مقنعه، دستمال ابریشمی، کلاه، عبا و محصولات کشاورزی همچون قند و شکر داشته‌اند؛ به تعبیر وبر می‌توان عنوان شهرهای تولیدکننده را به این شهرها اطلاق نمود.

رشد اقتصادی به رشد فرهنگی شهرها نیز انجامید، دانشمندان جهان اسلام چون خاندان عسکری، جبائی، ابن مهزیار و ابن اسکیت از این شهرها برخاسته‌اند. در باره افول و زوال این شهرها به ندرت می‌توان سرنخی پیدا کرد. نکته حائز اهمیت این است که از قرون پنجم و ششم به بعد، نام این شهرها کمتر در منابع به چشم می‌خورد، به جز دورق که تا دوره صفویان (ظاهراً در دوره افشار هم دارای ساکنانی بوده، اما اهمیت نداشته) همچنان به حیات شهری خود ادامه داد باقی شهرها، طی این دوره‌ی زمانی از میان رفتند. آثار بندها و پل‌های شکسته که از این شهرها به جا مانده است و گزارش‌هایی که برخی مورخین نقل می‌کنند حکایت از آن دارد سیلاب در از رونق انداختن این شهرها تاثیر عمده‌ای داشته است. علاوه بر این، با توجه به حمایت دولت‌های محلی چون آل‌بویه در توسعه شهرها در قرن چهارم و سپس عدم توجه به شهرها در قرون پنجم و ششم در نتیجه ورود قبایل و حضور حکام محلی ترک و مسئله جنگ‌های جانشینی خاندان سلجوقی، تغییر سیر خط تجاری از خلیج فارس به دریای سرخ و پس از آن جنگ‌های قبیله‌ای حکام عرب خوزستان (به ویژه در زوال دورق) تاثیر عمده‌ای در بی ثباتی این شهرها و از رونق انداختن مسیرهای تجاری داشته‌اند. بنابراین فرضیه ما اثبات می‌شود که یکی از شاخص‌های توسعه شهر، رونق تجارت و اقتصاد است که تحت تاثیر عوامل جغرافیایی یعنی رودخانه کارون و اهمیت کشتیرانی و ارتباط آن با دنیا بوده است و رشد فرهنگی، اوج بلوغ شهرهای مذکور را نشان می‌دهد.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۹، ۷، ۱۰، بیروت: دار صادر.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۹۳۸)، *صوره الارض*، ج ۲، بیروت: دار صادر.
- _____ (۱۳۴۵)، *صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن فضل الله عمری، احمد بن یحیی (بی تا)، *مسالك الابصار فی ممالک الامصار*، ج ۱۵، محقق مصطفی مسلم، ابوظبی: المجمع الثقافی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱)، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- ابودلف، مسعر بن مهلهل (۱۹۷۰)، *الرساله الثانيه لأبی دوف*، ترجمه محمدنیر مرسى، مصحح انس خالدوف و بولغاکوف پطرس، قاهره: عالم الكتب.
- ادریسی، محمد بن محمد (۱۴۰۹هـ)، *نزهه المشتاق*، ج ۱، بیروت: عالم الكتب.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۲۰۰۴)، *المسالك و الممالک*، محقق محمدجابر عبدالعال حینی، قاهره: الهیئه العامة لقصور الثقافه.
- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۹۶۱)، *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء*، بیروت: دار مکتبه الحیاء.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۵)، *خوزستان و کهگیلویه و ممسنی*، تهران: موسسه فرهنگی آیات.
- _____ (۱۳۵۳)، *دیار شهریاران*، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی.
- امام شوشتری، محمدعلی (۱۳۳۱)، *تاریخ جغرافیای خوزستان*، تهران: امیر کبیر.
- بارتولد، (۱۳۰۸)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، تهران: چاپخانه اتحادیه تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸)، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- بنداری، فتح بن علی (۲۵۳۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸)، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تهران: آستان قدس رضوی.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۸)، *جغرافیای تاریخی حافظ ابرو*، ج ۲، تصحیح صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۵)، *از شار تا شهر*، تهران: دانشگاه تهران.
- حمیری، محمد بن عبدالمنعم (۱۹۸۴)، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، مصحح احسان عباس، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷هـ)، *تاریخ بغداد*، ج ۱۴، محقق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الكتب العلمیه.

دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۳ هـ ق ۲۷

- خیراندیش، عبدالرسول و مجتبی خلیفه (۱۳۸۶)، «تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی، سده‌های ۵ و ۶ هجری»، علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، س ۱۷، ش ۶۵، ص ۷۱-۹۲.
- دمشقی، شمس‌الدین (۱۳۸۲)، *نخبه الدهر*، ترجمه حمید طبیبیان، تهران: اساطیر.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹)، *الاعلام*، ج ۵، بیروت: دار العلم للملایین.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵)، *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: آبی.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ج ۲، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- صدر، حسن (بی‌تا)، *الشیعه و فنون الاسلام*، قم: السبطين علیهما السلام العالمیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ هـ ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۹، ۶، محقق ابوالفضل ابراهیم، بیروت: روائع التراث العربی.
- طوسی، حسن بن محمد (۱۳۸۲ ق)، *رجال کشی*، تحقیق محمدتقی فاضل میبیدی و ابوالفضل موسویان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۳۸۰ ق)، *رجال الطوسی*، نجف: المکتبه و المطبعة الحیدریه.
- عطایی، مرتضی و جواد نیستانی، مهدی موسوی کوهپر، رسول موسوی حاجی (۱۳۹۳)، «رستقباد خوزستان و رستقباد عراق، بررسی جغرافیای تاریخی جای نام‌های مشابه»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۵، ش ۶، ص ۱۳۰-۱۱۳.
- فرخ‌احمدی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «سایه فراموشی بر سه شهر تاریخی در خوزستان؛ بصری، سوق‌الربعه و جبی»، *وطن امروز*، ش ۱۹۴.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۸۸)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت: دار صادر.
- کرومر، جوئل ل. (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در آل بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی*، ترجمه محمد سعید حنایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کسروی، احمد (۱۳۸۴)، *تاریخ پانصد ساله خوزستان*، تهران: دنیای کتاب.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸)، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد.
- لسترنج، گئی (۱۳۷۳)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۹)، *نزه القلوب*، تصحیح گئی لسترنج، تهران: اساطیر.
- مقدسی، ابو عبدالله بن محمد (۱۴۱۱ ق)، *احسن التقاسیم*، قاهره: مکتبه مدبولی.
- ملایری، محمد مهدی (۱۳۷۹)، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، ج ۵، ۴، ۲، ۱، تهران: توس.
- مهلبی، حسن بن احمد (۲۰۰۶)، *الکتاب العزیزی او المسالک و الممالک*، محقق تیسیر خلف، دمشق:

۲۸ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۲۶

التكوين.

- مؤلف مجهول (۱۴۲۳ق)، *حدود العالم*، محقق یوسف هادی، قاهره: دار الثقافیه للنشر.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *رجال*، محقق موسی شبیری، قم: النشر الاسلامی.
- واله فروینی، محمدیوسف (۱۳۸۲)، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وصاف الحضرة، عبدالله بن فاضل (۱۳۸۳)، *تحریر تاریخ وصاف*، تصحیح عبدالحمید آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج ۴، ۲، ۱، بیروت: دار صادر.
- Bothworth, C.B (1987), "Askar Mokram", *Encyclopedia Iranica*, vol II, fasc.7, London and New York: Routledge and Kegan Paul.
- Pyne, Nanette. Marie (1982), "The Impact of the Seljuq Invasion on Khuzestan: an Inquiry into the Historical, Geographical, Numismatic and Archaeological Evidence", doctoral dissertation, university of Washington.
- Weber, Max, (1958), *The City*, translated and edited by Don Martindale and Gertrud Neuwirth, New York: Macmillan publishing.